٧١- ای ناظر بملکوت الهی

حضرت عبدالبهاء

اصلی فارسی



# ٧١- ای ناظر بملکوت الهی

ای ناظر بملکوت الهی، چنديست که از آن صفحات نفحات قدسی بمشام اين مشتاقان نرسيده و پرتوی از اشعّه ساطعه محبّت اللّه از مطلع آمال ندميده صبر و سکونست و وقار و تمکين. در کلّ شئون صبر و تمکين ميوه شيرين دارد جز در نشر نفحات اللّه و تأنّی و سکون محبوب جز در محبّت جمال مقصود. پس ای مخمور جام سرشار صهبای محبّت اللّه جوش و خروشی کن و شعله و شوری در افکن آتشی بقلوب افسرده بزن و نسيمی حياتبخش از مهبّ عنايت بجو شجری با ثمر شو و کوکبی باهر در افق انور گرد. اين ايّام فانی بگذرد و اين عمر بی‌ثمر منتهی شود عاقبت اين نهار ليل ظلمانيست و پايان اين مجموعی پريشانی و نهايت اين توانگری بی سر و سامانی. پس تا در اين قنديل روغنی است و در اين عنصر ضعيف قوّتی جهدی بليغ لازم که در زجاجهٔ موهبت افروزد و در مشکاة عنايت بسوزد و اين جسد عنصری بقوّت روحانی حمل ثقل اعظم نمايد و اين ثقل عظيم بلای سبيل الهی است.

چون روح ببشارات الهی مستبشر گردد اين جسم نحيف و جسد ضعيف در نهايت راحت اين ثقل را عين خفّت يابد بلکه متلذّذ و متنعّم گردد و نشو و نما يابد و تأثير نماند . و برهان اعظم اين مدّعا آنکه بلايا و محن و رزاياء سرّ و علن و مشقّات و زحمات و مصيبات گوناگون که بر اين عباد از سنّ رضيعی تا بحال وارد اگر بر جبل حديد نازل ميشد البتّه مضمحل و نابود ميگشت. با وجود اين الحمد للّه در نهايت مکانت مقاومت شد و حال آنکه نحالت جسم در غايت ضعفيّت است پس جسم نيز تابع روح است و ظاهر عنوان باطن. پس تا توانی کاری کن و چاره ئی بنما که در جميع احوال مشتعل و متحرّک و مستبشر باشی.

